

مطالعه تطبیقی مدیریت جمعی حقوق مؤلف در آثار موسیقایی

مسلم ملکی*
شیمای پورمحمدی**

تاریخ تألیف: ۱۴۰۱/۹/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۵

چکیده

موسیقی به‌عنوان یکی از هنرهای هفتگانه، در تمام جوامع از گذشته و حال وجود داشته و به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مهم و قابل توجه فرهنگ جهانی در نظر گرفته می‌شود. احساسات و ایده‌هایی که موسیقی بیان می‌کند، موقعیت‌هایی که در آن موسیقی بخش می‌شود و به آن گوش داده می‌شود و نگرش نسبت به نوازندگان موسیقی و آهنگسازان به شدت تحت تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، آب و هوا، دسترسی به فناوری و مسائل دینی قرار دارد. هنرمندان در طول زمان به این نتیجه رسیده‌اند اجرای برخی حقوق مربوط به آثارشان به تنهایی دشوار و در بسیاری موارد غیرممکن است و بهتر است نهادی جهت پیگیری و مدیریت حقوق آنها باشد تا بتوانند با فراغ بال بیشتری به آفرینش و خلق آثار جدید بپردازند؛ لذا در هر کشوری طبق شرایط و موقعیت خود و گاهی با استفاده از تجربیات سایر کشورها انواع سازمان‌های مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط را تشکیل داده‌اند. ایجاد نظام مدیریت جمعی حق مؤلف در ایران می‌تواند موجب ارتقای سطح حمایت از حق مؤلف و حقوق مرتبط و حرفه‌ای شدن تجارت در این زمینه‌ها گردد و بدین وسیله موقعیت صاحبان حقوق همچون آهنگسازان، خوانندگان، نویسندگان و هنرمندان را بهبود بخشد به‌گونه‌ای که به بهترین شکل از منافع تجاری اثر خود برخوردار شوند و از سوی دیگر منجر به رشد صنایع فرهنگی و هنری در کشور می‌شود و نیاز جامعه و مصرف‌کنندگان را به‌شکل بهتری تأمین می‌کند.

واژگان کلیدی: حق مؤلف، مدیریت جمعی، حقوق مرتبط، سازمان مدیریت جمعی، آثار موسیقایی، صنایع فرهنگی.

* دکتری حقوق بین‌الملل عمومی و مدرس حوزه و دانشگاه/ نویسنده مسئول
(moslem_maleki88@yahoo.com).

** کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری و وکیل دادگستری

(sh.poormohamadi@yahoo.com).

مقدمه

موسیقی همواره بخش تفکیک‌ناپذیر زندگی بشر بوده است اما اکنون دوران هیجان‌انگیزی برای هنرمندان موسیقی است. یک هنرمند موسیقی اغلب یک اجراکننده (کسی که می‌خواند و یا یک دستگاه موسیقی را می‌نوازد) و نیز اغلب یک مؤلف موسیقی (یک آهنگساز، آهنگ‌نویس، نویسنده اشعار و نمایش‌های موزیکال یا تنظیم‌کننده) است. پیش از این هرگز در تاریخ تجارت موسیقی جهان، این قدر فرصت برای مؤلفان و اجراکنندگان وجود نداشته که موسیقی آنها شنیده شده و در یک سطح جهانی فروخته شود. هرکس در مورد ارزش واقعی موسیقی شک دارد، باید در نظر بگیرد که اپل در سال ۲۰۱۱ بزرگترین شرکت جهان شد در حالی که موسیقی یکی از اصلی‌ترین رانندگان آن دستاورد بود.

بیش از هفتاد درصد موسیقی جهانی بدون مجوز به دست می‌آید؛ لذا این صنعت به طور موقت در وضعیت شکست بازار بوده است. رودرویی با این مشکل نیازمند اقدامات اجرایی معقول با ساختارهای مجوزدهی آسان‌تر و سریع‌تر است. در عصر دیجیتال، نقش سازمان‌های مدیریت جمعی مهم‌تر شده و مکانیزم‌های مجوزدهی مؤثر، عملیات، مقررات و حکومت سازمان‌های جمعی به طور فزاینده‌ای برجسته‌تر شده است. صنعت موسیقی روزبه‌روز جهانی‌تر می‌شود و سهولت صدور مجوز یک عامل کلیدی خواهد بود (Stopp, 2008, p.13).

اجرای مؤثر حقوق مالکیت فکری در بسیاری از موارد نیازمند دخالت نهاد یا سازمانی واسط بین صاحب اثر و مصرف‌کنندگان است. صاحب اثر امکان مذاکره با تعداد زیاد مصرف‌کنندگان را ندارد و معمولاً در مقابل مصرف‌کنندگان بزرگی مثل سازمان‌های پخش رادیو تلویزیونی، ایستگاه‌های رادیویی، سالن‌های نمایش و فروشگاه‌ها از موقعیت معاملاتی و چانه‌زنی پایینی برخوردار است و در بسیاری مواقع امکان کنترل استفاده‌های بدون مجوز از آثارش را ندارد. از طرفی مصرف‌کنندگان آثار نیز همواره توانایی برقراری ارتباط با صاحب اثر و کسب مجوز از او تحت شرایط عادلانه و منصفانه را ندارند. ضمن اینکه در بسیاری موارد کسب مجوزهای متعدد، کاری دشوار و غیرممکن خواهد بود و مجوزهای کلی برای استفاده از لیستی از آثار یا صدور مجوز از یک مکان واحد برای آثار متعدد لازم است. سازمان‌های مدیریت جمعی واسطه مناسبی بین صاحبان آثار و مصرف‌کنندگان شناخته شده‌اند و تجربیات کشورها نشان داده است که نقش بسیار حیاتی و مؤثری در حمایت از هر دو طرف رابطه و اجرای حقوق دارند (پورمحمدی، ۱۳۹۳، ص ۱۲).

طبق قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری، هر اثر ادبی و هنری و از جمله آثار موسیقایی از حمایت‌های قانونی برخوردار بوده و دارای حقوق مادی و معنوی متعددی است. مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط نظامی است که به موجب آن پدیدآورندگان و صاحبان آثار به یک سازمان مدیریت جمعی اجازه اداره و اجرای حقوقشان از جمله نظارت بر استفاده از آثار، مذاکره با استفاده‌کنندگان، اعطای مجوز استفاده و جمع‌آوری و تقسیم اجرت را می‌دهند. سازمان مدیریت جمعی به‌عنوان واسطه‌ای میان صاحبان آثار و مصرف‌کنندگان عمل کرده، از یک‌سو موجب اجرای مؤثر حقوق صاحبان آثار شده و از سوی دیگر امکان دسترسی آسان و منصفانه استفاده‌کنندگان به آثار را فراهم می‌کنند.¹

سازمان‌های مدیریت جمعی بسته به شرایط فرهنگی، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی هر کشور به‌صورت مدل‌های مختلفی دیده می‌شوند. منشأ شکل‌گیری بسیاری از سازمان‌های مدیریت جمعی، گردهمایی هنرمندان، نویسندگان، آهنگسازان و موسیقی‌دانان جهت احقاق حقوق خود به‌شکلی موثرتر بوده است.

از تأسیس اولین سازمان‌های مدیریت جمعی در دنیا سال‌ها می‌گذرد و این نوع مدیریت حقوق مدتهاست که جایگاه خود را به‌خوبی در قوانین حق مؤلف بسیاری از کشورها باز کرده است و جای نگرانی است که هنوز در کشور ما چنین تأسیسی وجود ندارد. در حال حاضر در ترکیه همه انواع آثار اعم از علمی، ادبی، موسیقایی، هنری و سینمایی از اتحادیه‌های مدیریت جمعی برای مدیریت حقوق و اعطای مجوز بهره‌برداری برخوردارند. هم‌اکنون یک فدراسیون مدیریت جمعی برای ناشران، ده جامعه مدیریت جمعی در خصوص آثار سینمایی، شش جامعه مدیریت جمعی آثار موسیقایی، هشت جامعه مدیریت جمعی در خصوص آثار ادبی و هنری، یک جامعه مدیریت جمعی در خصوص پخش‌کنندگان رادیو تلویزیونی، یک جامعه مدیریت جمعی در خصوص آثار هنری و یک جامعه جمعی در خصوص هنرمندان تئاتر فعالیت می‌کنند و نقش زیادی در توسعه و رشد صنایع فرهنگی این کشور ایفاء کرده‌اند (همان). ورود نظام مدیریت جمعی در حقوق ایران می‌تواند موجب ارتقای سطح حمایت از حق مؤلف و حقوق مرتبط و حرفه‌ای شدن تجارت در این زمینه‌ها گردد و روابط بین هنرمندان و مصرف‌کنندگان آثار را منظم و قانونمند کند به‌گونه‌ای که هم به نفع هنرمند و هم به نفع جامعه به‌طور کلی گردد.

1. Wipo. Collective management of copyright and related right. 2020.

سهم موسیقی و مدیریت جمعی حقوق مربوط به آن در اقتصاد کشورها قابل توجه است. در سال ۲۰۱۸، درآمد جمع‌آوری شده در سراسر جهان توسط اعضای سیزاک^۱ برای خالقان و پدیدآورندگان آثار موسیقی، سمعی و بصری، هنرهای تجسمی، نمایش و ادبیات، ۹/۶۵ میلیارد یورو گزارش شده است که از این مقدار، درآمد مربوط به مجموعه‌های موسیقی، بیشترین تعداد کل آن را تشکیل داده و به ۸/۵ میلیارد یورو رسید.^۲ درآمد ثبت شده موسیقی جهانی در سال ۲۰۱۹ بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار بود که ۸/۲ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۱۸ و برای پنجمین سال متوالی رشد داشت.^۳

موسیقی و آواز در ایران دارای ریشه‌ای کهن بوده و انواع مختلف و تخصصی سبک‌ها یا به عبارتی دستگاه‌ها، نغمه‌ها، آوازها، انواع سازها و انواع موسیقی نواحی از دوران قبل از میلاد مسیح تاکنون حاکی از عظمت موسیقی اصیل ایرانی است. علاوه بر موسیقی سنتی، روزبه‌روز بر تعداد نوازندگان، خوانندگان و گروه‌های موسیقی جدید ایرانی افزوده می‌شود که برخی نیز از استانداردهای بالایی برای موفقیت در عرصه بین‌المللی برخوردارند و هرگاه به‌طور جدی وارد عرصه رقابت‌های بین‌المللی شده‌اند، خوش درخشیده‌اند. چندی پیش شهر سنندج که موسیقی در آن یکی از پرطرفدارترین هنرها محسوب می‌شود، به‌عنوان شهر خلاق موسیقی در فهرست یونسکو ثبت جهانی شد که با این اقدام، این شهر به شبکه شهرهای خلاق موسیقی در جهان مرتبط می‌شود و یکی از رویدادهای مهم فرهنگی ایران است. وقت آن رسیده که کشور ما با وجود پیشینه غنی در موسیقی به‌صورت جدی‌تری به این صنعت با ارزش نگاه کند و یکی از مهمترین اقدامات در این زمینه، تشکیل سازمان‌های مدیریت جمعی حقوق آثار موسیقایی در کشور است.

باتوجه به اهمیت و سهم مهم صنعت موسیقی در اقتصاد و فرهنگ، در این پژوهش با روش تحقیق توصیفی و تحلیلی به‌طور خاص به بررسی مدیریت جمعی حقوق در حوزه آثار موسیقایی پرداخته شده و چند مورد از نمونه‌های موفق سازمان‌های مدیریت جمعی دنیا در این خصوص مطرح می‌شود.

1. CISAC. Confédération Internationale des Sociétés d'Auteurs et Compositeurs.
2. CISAC. Global collections report 2019.
3. IFPI annual global music report 2020.

۱. پیشینه تاریخی

نخستین سازمان‌های مدیریت جمعی حق مؤلف و حقوق مرتبط در فرانسه به وجود آمدند. فرانسه همواره مهد هنر و موسیقی مخصوصاً هنرهای نمایشی همچون تئاتر، اپرا، باله و کنسرت‌های بزرگ موسیقی بوده است. زمره مدیریت جمعی حقوق به قرن هجدهم برمی‌گردد. زمانی که مالکان سالن‌های تئاتر و موسیقی با سوءاستفاده از موقعیت مالی و اجتماعی خود، حقوق هنرمندان و صاحبان آثار را نادیده گرفته و آثار متعلق به آنان را بدون اجازه آنها و بدون پرداخت هیچ اجرتی به اجرا درآورده و سود سرشاری نصیب خود می‌کردند.

ایده مدیریت جمعی حقوق را به پیر آگوستین بومارشیه (Pierre Agustin Caron de Beaumarchais) نسبت می‌دهند. او یک نمایشنامه‌نویس مبتکر فرانسوی بود که از نقض حقوق آثارش توسط مالکان تئاتر رنج می‌برد؛ لذا در سال ۱۷۷۷ نظامنامه عمومی نمایش را در پاریس تدوین کرد. هدف وی اقدام حقوقی علیه مالکان تئاترها بود که آثار نویسندگان را بدون اجازه آنها اجرا کرده و سود کلانی به دست می‌آوردند بدون اینکه به نویسندگان اثر، حقوقی بپردازند یا حداقل حقوق معنوی وی را رعایت کنند. ملاقات ۲۲ نفر از نویسندگان معروف درباره موضوعات مالی این نظامنامه، موجب بحث روی مدیریت جمعی حقوق و پایه‌ریزی سازمان‌های مدیریت جمعی به معنای امروزی گردید (Gunner, 2002, pp.70-105). این ملاقات موجب تشکیل یک هیئت (دفتر قانونگذاری نمایش)^۱ شد که بعدها جامعه مؤلفان و مصنفان آثار نمایشی (سازد)^۲ را تشکیل داد که هنوز هم کار می‌کند. در ابتدای امر هدف به دست آوردن حداقل حمایت برای حقوق مادی بود اما پس از مدتی حمایت از حقوق معنوی نیز به میان آمد. در سال ۱۸۳۸ انجمن ادبا و نویسندگان^۳ توسط نویسندگان سرشناس و مشهور آن زمان چون ویکتور هوگو، الکساندر دوما و بالزاک تأسیس شد که اداره این انجمن به وسیله عایدات حاصل از چاپ آثار ادبی تأمین می‌گردید (محمدی، ۱۳۹۲، ص ۴-۶).

قبل از تشکیل سازمان‌های مدیریت جمعی مؤلفان برای اجرای آثارشان توسط دیگران، به صورت شخصی مجوز می‌دادند اما از اواسط قرن نوزدهم این کار غیرعملی شده بود چراکه برای

1. Bureau de legislation dramatique.
2. SACD: society of authors and composers dramatic.
3. la societe des Gens de Letters (SGDL).

یک مؤلف‌دانستن اینکه کی و کجا یکی از آثارش اجرا شده است، غیرممکن شده بود. بروز مشکلاتی از این دست برای هنرمندان فرانسوی، موجب شد در سال ۱۹۵۰ یک گروه موسیقی ۱۹ نفره از آهنگسازان و خوانندگان نخستین سازمان مدیریت جمعی به نام ساسم^۱ را تأسیس کنند.

ساسم به نوعی نتیجه تصمیم مستقیم دادگاه فرانسه در زمینه مالکیت فکری بود. دو آهنگساز به اسم پاول هنریون و ویکتور پریزوت و یک شاعر به اسم ارنست بورگت متوجه شدند آثار آنها در کافه‌ای به نام سفیران (لزامباداسور) در خیابان شانزده‌لیزه پاریس اجرا می‌شود و در ازای آن از مشتریان پول بیشتری دریافت می‌شود که بین اجراکنندگان و صاحب کافه تقسیم می‌گردد، بدون آنکه حتی نامی از آهنگسازان و شاعر برده شود.

مالک کافه در مقابل اعتراض بورگت معتقد بود که اجرای آثار وی برای همگان آزاد است. بورگت در سال ۱۷۳۰ به اقامه دعوا پرداخت و ادعا کرد پدیدآورندگان آثار باید حق کنترل اجرای آثار خود را داشته باشند. او در آن زمان نتوانست در دعوا، حکمی به نفع خود به دست آورد. پس از انقلاب فرانسه و تغییر فضای اجتماعی سیاسی این کشور و همزمان با انتخاب آلفون دولامارتین و ویکتور هوگو، دو نفر از برجسته‌ترین شعرا و بزرگان ادبیات فرانسه و جهان به‌عنوان نمایندگان مجلس ملی جدید، که هر دو عمیقاً به آزادی، حقوق مدنی و تشویق خلاقیت و انگیزه هنرمندان معتقد بودند، بورگت مجدداً اقامه دعوا کرد و سرانجام در سال ۱۹۳۴ برنده این پرونده شد. از آن به بعد این سه نفر با هم متحد شدند تا بتوانند بهتر بر اجرای آثار خود نظارت کنند. این پرونده موجب شد حقوق مؤلفان دچار تغییرات اساسی شود (Ficsor, 2002, pp.18-19).

ساسم نخستین سازمان مؤلفان، مصنفان و ناشران موسیقی بود که به‌منظور دفاع از حقوق عمومی همه آهنگسازان و ترانه‌سرایان، با یا بدون فعالیت مشترک با ناشرانشان و در رابطه با مالکان مکانهای عمومی که آثار ادبی و موسیقایی آنها را اجرا می‌کنند، تشکیل شد.

از اواسط قرن بیستم، جوامع مشابهی در بسیاری از کشورهای اروپایی و برخی کشورهای دیگر اطراف دنیا شکل گرفتند. نکته قابل توجه این است که تشکیل سازمان‌های مدیریت جمعی قبل از تصویب معاهدات مهمی همچون کنوانسیون برن^۲ و معاهده پاریس^۳ و قبل از شکل‌گیری سازمان

1. SACEM: society of authors, composers and music publishers.

2. Convention for the Protection of Literary and Artistic Works.

3. Paris Convention for the Protection of Industrial Property.

جهانی مالکیت فکری (وایپو)^۱ است.

۲. ضرورت مدیریت جمعی حقوق آثار موسیقایی

هنرمندان آثار موسیقایی و به‌طور کلی صاحبان حق مؤلف (کپی‌رایت) یا حقوق مرتبط دارای حقوق انحصاری متعددی هستند که شامل حقوق مادی (اقتصادی) و معنوی (اخلاقی) است. مهم‌ترین حقوق مادی شامل حق تکثیر، حق عرضه به عموم، حق اجرای عمومی، حق اقتباس و حق ترجمه و مهم‌ترین حقوق معنوی شامل حق حرمت اثر و حق حرمت نام می‌شود. اولین انتخاب دارندگان حقوق این است که حقوق خود را به‌صورت شخصی و جداگانه، برای مثال، با انعقاد موافقت‌نامه‌های صدور مجوز با ناشران و تولیدکنندگان اجرا کنند اما در عصر حاضر و با توجه به پیشرفت‌های حاصله در زمینه ارتباطات جمعی در بسیاری از موارد اجرای حقوق به‌صورت فردی امکان‌پذیر نیست.

143

استفاده غیرمجاز از آثار موسیقایی تحت حمایت کپی‌رایت به‌صورت روزافزون و به‌طور مختلف مانند سرقت ادبی سازمان‌یافته برای منافع تجاری و همچنین سایر اشکال تکثیر و انتشار بدون رضایت دارندگان حقوق و بدون پاداش به آنها، امکان اجرای شخصی حقوق را دشوار کرده است. سرقت ادبی سازمان‌یافته معمولاً به‌صورت بازتولید کل اثر، سی‌دی، دی‌وی‌دی یا کتاب‌هایی برای فروش در بازار در رقابت با آثار اصلی است. نسخه‌های سرقت ادبی از آثار دارای کپی‌رایت برای صنایع خلاق بسیار مضر است و پایه آنها را بسیار تضعیف می‌کند. به غیر از کپی‌کردن کل آثار، انواع دیگری از تخلفات مانند تکثیر در حجم بالا (رپروگرافی) از آثار برای اهداف داخلی یک مجموعه مانند مؤسسات آموزشی و دانشگاه‌ها نیز وجود دارد.

علاوه بر عدم امکان کنترل استفاده‌های غیرمجاز و سرقت آثار، صاحب اثر امکان مذاکره با تعداد زیاد مصرف‌کنندگان را ندارد و معمولاً در مقابل مصرف‌کنندگان بزرگی مثل سازمان‌های پخش رادیو تلویزیونی، ایستگاه‌های رادیویی، سالن‌های نمایش و فروشگاه‌ها از موقعیت معاملاتی و چانه‌زنی پایینی برخوردار است و در بسیاری مواقع امکان برقراری رابطه تجاری منصفانه وجود ندارد.

1. World Intellectual Property Organization.

از طرفی مصرف‌کنندگان آثار همچون سازمان‌های رادیویی و تلویزیونی نیز در مقابل با مشکل مشابهی در رابطه با مذاکره با تک‌تک‌دارندگان حق، انعقاد قرارداد و پرداخت حقوق مواجه هستند و در موارد زیادی توانایی برقراری ارتباط با صاحب اثر و کسب مجوز از او تحت شرایط عادلانه را ندارند. ضمن اینکه در بسیاری موارد کسب مجوزهای متعدد، کاری دشوار و غیرممکن خواهد بود و مجوزهای کلی برای استفاده از لیستی از آثار یا صدور مجوز از یک مکان واحد برای آثار متعدد لازم است.

با گسترش تعداد مصرف‌کنندگان و تعداد آثار، امکان مذاکره به صورت انفرادی، مستلزم صرف وقت و هزینه زیادی می‌باشد. در نتیجه در بیشتر موارد عدم کنترل آثار منجر به سوءاستفاده از حقوق آنان و عدم دستیابی به منافع ناشی از آثار می‌شود. به همین دلیل است که گفته می‌شود در بیشتر موارد صاحب اثر نمی‌تواند منافع کامل اثر خود را تحصیل کند مگر آنکه آن را به متخصصان بهره‌برداری و صاحبان صنایع عرضه کند (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۵۹).

سازمان موظف است به مؤلف در حفظ «حقوق معنوی» اش کمک کند و تضمین کند هیچ نوع استفاده‌ای را که موجب زیان به حقوق معنوی مؤلف می‌شود، اجازه نمی‌دهد. براین اساس صاحب حق می‌تواند تقاضا کند نام او همراه با آثاری که اجرای عمومی یا پخش رادیو تلویزیونی می‌شود، ذکر شود یا مانع از تغییرات اثرش گردد که باعث زیان به شهرت او شده یا موجب تغییر شکل و تحریف اثر می‌گردد (Uchenhagen, 2011, p.62).

از موارد مهم دیگری که این سازمان‌ها به موجب حقوق معنوی موظف به رعایت هستند، صدور مجوز استفاده از اثر در تبلیغات است. مؤلف می‌تواند با استفاده از اثرش در تبلیغات سیاسی یا هر نوع استفاده تبلیغاتی مخالفت کند، به طور مثال یک هنرمند گیاهخوار می‌تواند تقاضا کند مجوز استفاده از اثرش برای رستوران‌هایی که غذاهای حیوانی سرو می‌کنند، صادر نشود (Stopp, 2008, p.25).

اجرای مؤثر حقوق مالکیت فکری در بسیاری از موارد نیازمند دخالت نهاد یا سازمانی واسطه بین صاحب اثر و مصرف‌کنندگان است. سازمان‌های مدیریت جمعی واسطه مناسبی بین صاحبان آثار و مصرف‌کنندگان شناخته شده‌اند و تجربیات کشورها نشان داده است که نقش بسیار حیاتی و مؤثری در حمایت از هردو طرف رابطه و اجرای حقوق دارند. اجرا و مدیریت حقوق هردو برای تأمین سلامت بازار صنایع خلاق لازم است. اقدامات اجرایی سریع و مؤثر و فعالیت‌های صدور

مجوز مکمل یکدیگر هستند. از طریق سیستم مدیریت جمعی، دارندگان حقوق از سازوکارهای مؤثر صدور مجوز و حمایت‌های قانونی بیشتری برخوردار می‌شوند. و یک راه‌حل عملی و مؤثر برای دارندگان حقوق، کاربران و جامعه به‌طور کلی است.

باتوجه به آنچه گفته شد، برخی از مهمترین اهداف سازمان‌های مدیریت جمعی عبارتند از:

۱. فعالیت به‌عنوان نماینده صاحبان آثار به‌منظور حمایت از حقوق و منافع قانونی آنها؛
۲. تسهیل دسترسی به آثار برای مصرف‌کنندگان؛
۳. سازمان‌دهی فرآیند جمع‌آوری حق امتیازها؛
۴. کاهش هزینه‌های قراردادی و هزینه‌های مذاکره با دارندگان حق و مصرف‌کنندگان آثار؛
۵. در نظر گرفتن روش‌های عادلانه، کم‌هزینه و کارآمد جهت حل و فصل اختلافات؛
۶. مدیریت اطلاعاتی حقوق و شناسایی صاحبان آثار؛
۷. مدیریت حقوق متعدد دارندگان حق.

باتوجه به اهداف فوق، مهمترین وظایف سازمان‌های مدیریت جمعی به‌طور مختصر عبارتند

از:

۱. فراهم‌کردن پایگاه اطلاعاتی و لیست‌های جامع از آثار ادبی و هنری و صاحبان حقوق؛
۲. انعقاد قرارداد عضویت با صاحبان حق؛
۳. اعطای مجوزهای مختلف به مصرف‌کنندگان آثار؛
۴. جمع‌آوری حق امتیازها؛
۵. توزیع درآمدهای حاصله بین صاحبان آثار؛
۶. حل و فصل اختلافات.

علاوه بر موارد فوق که به‌صورت کلی بیان شده و جزو حداقل وظایف سازمان است، وظایف هر سازمان براساس وسعت و ساختار سازمان، تنوع حقوق تحت مدیریت و اساسنامه هر سازمان، گسترده‌تر می‌شود. به‌طور مثال برخی سازمان‌ها در کنار فعالیت‌ها و وظایف اصلی خود، بخشی از درآمدهای خود را صرف فعالیت‌های علمی و فرهنگی مانند ترویج علم و فرهنگ و زبان کشور، چاپ کتاب، بازسازی موزه‌ها و اماکن تاریخی، تولید فیلم‌های آموزشی، کمک به صاحبان آثار و تأمین هزینه‌های بازنشستگی و از کارافتادگی، هزینه درمان، برگزاری مسابقات علمی و فرهنگی و اعطای جوایز و سایر موارد می‌کنند.

سازمان‌های مدیریت جمعی پس از اتمام مدت حمایت از حقوق انحصاری اثر که اصطلاحاً به آن ورود اثر به حوزه دانش عمومی (Public Domain) تعبیر می‌شود، نیز می‌توانند در حمایت از اثر نقش مهمی داشته باشند؛ چراکه از آن پس استفاده از اثر برای همگان آزاد و رایگان می‌باشد اما لازم است حقوق معنوی اثر مانند حق تمامیت اثر و حق بر نام پدیدآورنده و عنوان اثر از هر نوع نقض و تعرضی مصون بماند؛ لذا برخی پیشنهاد می‌کنند با توجه به تخصص سازمان‌های مدیریت جمعی و ابزارهایی که این سازمان‌ها در دسترس دارند و همچنین با توجه به اینکه می‌توانند نقش مؤثری در ترویج فرهنگ و ارتقا دانش داشته باشند، پس از پایان مدت حمایت نیز بهره‌برداری از آثار تحت کنترل این سازمان‌ها قرار می‌گیرد (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۶).

۳. مدیریت حقوق در آثار موسیقایی

کپی‌رایت و حقوق مرتبط بسته‌های مختلفی از حقوق است که می‌تواند به صورت شخصی مدیریت شود و در مواردی که دستیابی به توافق شخصی دشوار است، توسط سازمان مدیریت جمعی، مدیریت شود.

اساساً طریقه کسب اختیار سازمان‌های مدیریت جمعی از صاحبان حق می‌تواند به دو صورت باشد (Nicholas, 2012, pp.28-30):

۱. واگذاری حقوق به این معنی که سازمان صاحب قانونی حق می‌شود و دارنده حقوق نمی‌تواند همان حقوق را به یک انجمن، شخص یا شرکت دیگر اعطا کند.
۲. اداره حق که طبق آن حق با دارنده حق باقی است و فقط مدیریت آن به سازمان منتقل می‌شود.

اجرای فردی حقوق توسط آهنگسازانی که با ناشران موسیقی قرارداد مستقیم منعقد می‌کنند، انجام می‌شود. به همین ترتیب، شرکت‌های ضبط مستقیماً با اجراکنندگان برای ضبط موسیقی و با ناشران موسیقی برای حق تکثیر موسیقی (حقوق مکانیکی) قرارداد می‌بندند. با این حال، در برخی از کشورها، مدیریت جمعی به‌طور گسترده در زمینه حقوق مکانیکی آثار موسیقایی که از مهم‌ترین حقوق این آثار است، انجام می‌شود. سازمان‌های حقوق مکانیکی، مجوز تکثیر آثار موسیقی را می‌دهند.

آهنگسازان و ترانه‌سرایان معمولاً با ناشر موسیقی قرارداد انتشار را منعقد می‌کنند که به ناشر این

حق را می‌دهد در خصوص استفاده‌های مختلف از موسیقی مجوز دهد. غالباً ناشر موسیقی پیش پرداختی را به آهنگساز پرداخت می‌کند که برای تشویق به عقد قرارداد است. به روشی مشابه اجراکنندگان برجسته در ازای حق امتیاز حاصل از فروش آثار سابق یا صدور مجوز از آثار ضبط شده، با شرکت‌های ضبط‌کننده، قرارداد ضبط منعقد می‌کنند.

سایر فعالیت‌هایی که به‌طور مؤثرتری توسط یک سازمان مدیریت جمعی انجام می‌شود، صدور مجوز برای اجرای عمومی زنده و پخش رادیو تلویزیونی آثار موسیقایی و آثار موسیقی ضبط شده است. در صورتی که عملاً عقد قرارداد فردی برای دارندگان حقوق غیرممکن باشد، سازمان‌های حق اجرا، مجوز اجرای عمومی، پخش رادیو تلویزیونی و ارتباط با عموم برای کارهای موسیقی و ضبط صدا را می‌دهند.

سازمان‌های پخش رادیو تلویزیونی تمایل دارند موسیقی را به عموم مردم برسانند. تقریباً غیرممکن است که سازمان‌های پخش بتوانند هویت و موقعیت مکانی هر آهنگساز یا ناشر موسیقی را به‌دست آورند تا از آنها اجازه استفاده از یک قطعه موسیقی را بگیرند. علاوه بر آن موانعی مانند هزینه استفاده از موسیقی، فاصله، زبان و فرهنگ در مذاکره فردی وجود دارد.

به همین ترتیب، آهنگسازان و ناشران موسیقی می‌خواهند اطمینان حاصل کنند که توانایی کنترل استفاده از موسیقی خود را دارند. با توجه به ماهیت جهانی خدمات موسیقی، این امر بدون ایجاد سازمان‌های مدیریت جمعی عملاً غیرممکن است.

اختیار سازمان مدیریت جمعی برای مذاکره و صدور مجوز برای استفاده از موسیقی و ضبط صدا از توافق آنها با آهنگسازان، ناشران موسیقی، مجری‌ها و شرکت‌های ضبط صدا ناشی می‌شود. ماهیت و تأثیر این توافق‌نامه‌ها در هر کشور متفاوت است و ممکن است در بعضی مناطق حقوق بیشتری را برای اقدام و جبران خسارت مؤثر در دادگاه‌ها ایجاد کند. قانون ملی همچنین ممکن است مجوز سازمان مدیریت جمعی را برای مجوز برخی حقوق یا جمع‌آوری پاداش برای مصارف خاص صادر کند.

به‌طور سنتی دارندگان حقوق در «آثار نمایشی موسیقایی» مانند اپراها، نمایش‌های موزیکال و پانتومیم‌ها بهتر می‌توانند حقوق خود را به‌صورت شخصی اجرا کنند. حقوق مربوط به این نوع آثار موسیقی اصطلاحاً «حقوق بزرگ» (Grand rights) نامیده می‌شود. ناشران موسیقی به‌طور کلی می‌توانند فعالیت‌های مربوط به این نوع آثار موسیقایی را به‌صورت جداگانه مجوز دهند. البته در

این رابطه یکسری موارد استثنایی وجود دارد که از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، اما به طور کلی، سازمان مدیریت جمعی را قادر می‌سازد تا در برخی شرایط، بخشی از یک اثر نمایشی موسیقی را مجوز دهد (Nicholas, 2012, p.14). نمایش‌هایی که بعضاً به‌عنوان «نمایش‌های تلفیقی» (Compilation Shows) شناخته می‌شوند، اجراهای نمایشی موسیقی هستند که حاوی موسیقی‌هایی است که به‌طور خاص برای نمایش نوشته نشده‌اند. نمونه‌های معمول نمایش‌هایی است که زندگی آهنگساز یا مجری مشهوری را که در آن آهنگ‌های معروف آنها اجرا می‌شود، جشن می‌گیرند. روش صدور مجوز برای چنین نمایش‌هایی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در بعضی از کشورها از سازمان مدیریت جمعی و در بعضی دیگر از ناشران موسیقی مجوز می‌گیرند.

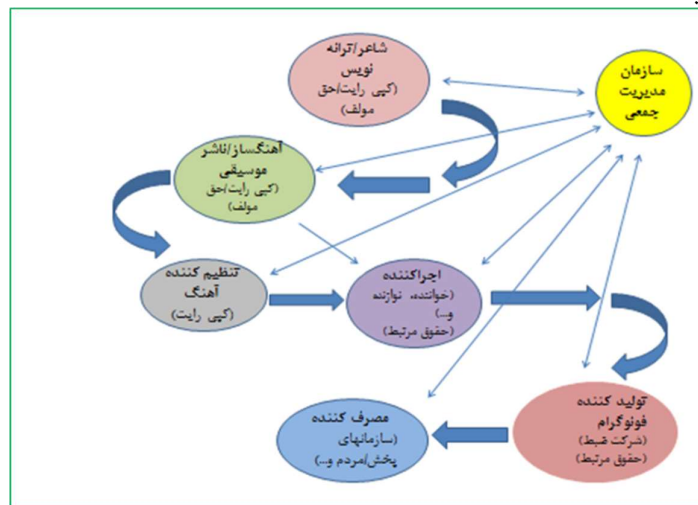
اگرچه کارهای نمایشی موسیقایی معمولاً از سازمان مدیریت جمعی مجوز ندارند، اما سازمان مدیریت جمعی هنگام پخش فیلم در سینما یا پخش از رادیو تلویزیون، مجوز موسیقی را در فیلم‌هایی که اثر نمایشی موسیقایی محسوب می‌شوند، صادر می‌کند.

یکی از انواع مجوزهایی که در مدیریت جمعی آثار موسیقایی زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرد، مجوزهای جامع یا فراگیر است که به مصرف‌کننده اجازه می‌دهد بدون نیاز به مذاکرات بعدی، امکان استفاده از تمام فهرست آثار تحت مدیریت سازمان مدیریت جمعی را داشته باشد. این نوع مجوز در زمینه آثار موسیقایی بیشتر کاربرد دارد چون هزینه‌های نظارت موردی بر اثر بالا بوده و صدور مجوز برای هر اثر به تنهایی دشوار و غیرممکن است؛ لذا مجوز فراگیر داده می‌شود تا بهتر امکان مدیریت و نظارت وجود داشته باشد (Gervais, 1998, pp.6-7) در برخی کشورهای جهان، اصلاً سازمان‌های جمعی مناسبی برای انعقاد موافقت‌نامه‌های چندجانبه وجود ندارد و یا برخی مؤلفان آثار خود را برای مدیریت به یک سیستم جمعی نسپردند.

۴. ذی‌نفعان آثار موسیقایی

دو بخش متمایز در بازار موسیقی وجود دارد که باعث ایجاد مشاغل متمایز در بازار موسیقی شده است. اولین بخش «تجارت موسیقی» است که شامل آهنگسازان و ناشران موسیقی می‌شود. حقوق آنها به‌عنوان کپی‌رایت شناخته می‌شود. بخش دوم، «صنعت ضبط» است که از شرکت‌های تولیدکننده فونوگرام و اجراکنندگان تشکیل شده است. پخش‌کنندگان رادیو و تلویزیون با هر دو

ارتباط دارند. حقوق صنعت ضبط و پخش به عنوان حقوق مرتبط شناخته می شوند. آهنگسازان، موسیقی می آفرینند و گاهی کلمات را می نویسند تا با موسیقی همراه شوند و آهنگ تولید کنند. ناشران موسیقی با ارائه انتخاب موسیقی مورد نیاز برای ضبط یا پخش، موسیقی را به صنعت ضبط و پخش می رسانند. ناشران موسیقی آهنگسازان را از لحاظ مالی پرورش می دهند تا بتوانند آهنگ سازی کنند. اجراکنندگان صنعت ضبط، که بعضاً آهنگ ساز و ترانه سرا نیز هستند، آثار موسیقایی را اجرا می کنند که توسط شرکت های تولیدکننده، ضبط می شوند و سپس به صورت سی دی به مردم فروخته می شوند و یا اینکه مردم می توانند ضبط ها را از وبسایت های موجود در اینترنت بارگیری کنند. آهنگسازان، ناشران، اجراکنندگان، شرکت های ضبط و پخش کنندگان همه دارندگان حق مؤلف یا حقوق مرتبط هستند. در کلیه این فعالیت ها سازمان های مدیریت جمعی (سازمان مدیریت جمعی) می توانند به دارندگان حقوق کمک کنند هزینه استفاده از آثار موسیقایی یا آثار ضبط شده خود را دریافت کنند.



زنجیره تولید در صنعت موسیقی (پورمحمدی، ۱۳۹۹، ص ۷۰).

کنوانسیون های بین المللی و قوانین ملی مشخص می کند که چه کسانی دارای کپی رایت و حقوق مرتبط هستند. حقوق به طور کلی می تواند به دیگران منتقل شود اما میزان و روش انتقال از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.

آهنگ‌ساز یک اثر موسیقی (که در این متن شامل نویسنده هر کلمه‌ای است که موسیقی را همراهی کند) به‌طور کلی اولین مالک کپی‌رایت در اثر خواهد بود (اولین دارنده حقوق). کپی‌رایت مجموعه‌ای از حقوق جداگانه است که مهمترین آنها برای کارهای موسیقی، حقوق اجرای عمومی (Rights of Public Performance)، پخش رادیو تلویزیونی، ارتباط با عموم (Communication to the Public) و حق تکثیر است.

به‌طور کلی حقوق اجرای عمومی و ارتباط با عموم به‌عنوان حق اجرا شناخته می‌شوند. شکل خاص حق تکثیر مربوط به آثار موسیقی ساختن کپی‌های ضبط شده اثر (برای فروش یا توزیع) در تعداد انبوه است که به‌طور کلی به‌عنوان حق مکانیکی شناخته می‌شود. «حق اجرا» (Performing Right) و «حق مکانیکی» اصطلاحات سنتی و رایج هستند تا اصطلاحات قانونی، که به‌طور گسترده‌ای در مدیریت جمعی حقوق استفاده می‌شود (Nicholas, 2012, p.23).

حق اجرا به معنای حقوق اجرای عمومی و ارتباط با عموم از طریق سیم یا بی‌سیم (صدا و سیم و کابل) است. همچنین در کشورهایی که عضو معاهده کپی‌رایت و ایپو (Wipo Copyright Treaty) هستند، حق «در دسترس قرار دادن» (Making Available) که آثار به‌گونه‌ای در دسترس عموم قرار می‌گیرند که اعضای جامعه از مکان و در زمانی که به‌طور جداگانه توسط آنها انتخاب شده است به آثار دسترسی داشته باشند، نیز شامل این موارد می‌شود.

حق مکانیکی، حق ساخت نسخه‌های متعدد یا تکثیر انبوه یک اثر صوتی ضبط شده با استفاده از ابزارهای تکنولوژیکی (مانند چاپ، لیتوگرافی و...) است. ضبط صدا می‌تواند اشکال مختلفی اعم از آنالوگ و دیجیتال داشته باشد که همه انواع آن هنوز هم تحت عنوان قدیمی «تکثیر مکانیکی» پوشانده شده است (Nicholas, 2012, p.30).

دارنده حقوق مکانیکی باید برای هر بار ضبط یک اثر موسیقی بر روی سی‌دی یا دی‌وی‌دی یا هر رسانه فیزیکی دیگر، مجوز بدهد. یک سازمان پخش نیز مجبور است قبل از ضبط آثار موسیقی برای ساخت برنامه، برای انتقال بعدی مجوز بگیرد، اگرچه این مجوز به‌طور معمول بخشی از توافق نامه بین یک دارنده حقوق و یک پخش‌کننده است.

۵. انواع سازمان‌های مدیریت جمعی در زمینه آثار موسیقایی

هنگامی که سازمان‌های مدیریت جمعی از اعضای خود اختیارات و مجوزهای لازم را کسب

کردند، در موقعیتی خواهند بود که حقوق اعضا را مدیریت کنند. مدیریت نیاز به عملکرد مناسب در زمینه‌های مختلفی مانند تعرفه‌ها برای انواع مختلف استفاده از موسیقی، مستندات آثار و دارندگان حقوق، قوانین توزیع، استانداردهای فنی و ابزاری برای تسهیل ارتباطات بین سازمان‌ها دارد.

اصولاً اگر آثار موسیقایی در مجامع عمومی اجرا، پخش رادیو تلویزیونی یا از طریق کابل منتقل شوند، تنها راه عملی برای جبران خسارت دارندگان حقوق و تنها راه عملی کاربران موسیقی برای دریافت مجوز استفاده از آثار، از طریق مدیریت جمعی است. در رابطه با مدیریت جمعی آثار موسیقایی، سازمان‌های مدیریت جمعی مختلفی وجود دارد که به مدیریت یک یا چند حقوق می‌پردازند.

دامنه فعالیت هر سازمان، محدوده عملکرد و ساختار سازمان‌های مدیریت جمعی متفاوت است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- برای دسته خاصی از دارندگان حقوق، مانند آثار موسیقایی (تک آهنگ)؛
 - برای دسته خاصی از دارندگان حقوق مرتبط، مانند مجریان یا تولیدکنندگان فونوگرام؛
 - مشترک بین ذینفعان حقوق مرتبط مانند اجراکنندگان و تولیدکنندگان آوا؛
 - به صورت سازمان چتر بین‌المللی یعنی ائتلاف انجمن‌ها و سازمان‌های مدیریت جمعی برای چندین گروه از دارندگان حقوق برای یک حق خاص مانند حق تکثیر در حجم بالا (رپروگرافی)؛
 - چند منظوره برای تحت پوشش قراردادن دارندگان حقوق در چندین بخش خلاق و هنری؛
 - شرکت منطقه‌ای که گروهی از کشورها را پوشش می‌دهد.
- در ادامه انواع مختلفی از سازمان‌های مدیریت جمعی که به مدیریت حقوق مربوط به آثار موسیقایی می‌پردازند، بررسی می‌شود. در زمینه آثار موسیقایی، آنچه بیشتر اهمیت دارد حقوق سه‌گانه اقتصادی شامل حق اجرای عمومی، حق پخش رادیو تلویزیونی و حق تکثیر است؛ لذا بیشتر سازمان‌های مدیریت جمعی، حول مدیریت این سه مورد شکل گرفته است.

۵-۱. سازمان حق اجرای آثار موسیقایی

در صدور مجوز برای حق اجرا^۱ در آثار موسیقایی، معمولاً ارائه «مجوز جامع» (Blanket

۱. منظور از حق اجرا، حق دادن مجوز ارتباط جمعی آثار از طریق مختلف مانند اجرای روی صحنه، پخش رادیو

(Licence) به‌کاربر این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به مذاکرات متعدد، از هر اثر موسیقی در مجموعه و لیست آثار سازمان مدیریت جمعی استفاده کند؛ اعم از آثار اعضای خود سازمان یا آثار اعضای سازمان مدیریت جمعی خارجی که به توافق‌نامه نمایندگی متقابل با سازمان مدیریت جمعی رسیده‌اند. مجوز جامع کاربر موسیقی را از بررسی وضعیت کپی‌رایت هر کاری که می‌خواهد پخش کند آزاد می‌کند، زیرا تقریباً مطمئن است که تمام آثاری که می‌خواهد استفاده کند توسط سازمان مدیریت جمعی مجاز خواهد بود. مسلماً سازمان مدیریت جمعی باید کاربر موسیقی را متعهد کند درخصوص همه کاربردها و استفاده‌های خود از موسیقی گزارش دهد.

مجوزهای جامع یا فراگیر یکی از مهم‌ترین مزایای سیستم‌های مدیریت جمعی کاملاً توسعه یافته است. صدور چنین مجوزهایی در مواردی امکان‌پذیر است که سیستم موافقتنامه‌های چندجانبه کاملاً پیشرفته و توسعه‌یافته باشد. معمولاً این نوع مجوز در زمینه آثار موسیقایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، چون هزینه‌های نظارت موردی بر اثر بالا بوده و صدور مجوز برای هر اثر به تنهایی دشوار و غیرممکن است؛ لذا مجوز فراگیر داده می‌شود تا امکان مدیریت و نظارت بهتر باشد (Gervais, 1998, pp.6-7).

هنرمند مجری (اجراکننده) مانند خواننده یا نوازنده‌ای که اجراهای ضبط شده است ممکن است به‌طور بالقوه سه منبع درآمد مهم داشته باشد که توسط سازمان مدیریت جمعی بهتر مدیریت می‌شوند (Nicholas, 2012, p.54).

— پاداش عادلانه (Equitable Remuneration) برای پخش یا سایر موارد استفاده از اجرای ضبط شده؛

— پاداش کپی خصوصی برای کپی‌برداری از اجراهای ضبط شده؛

— موافقتنامه‌های مذاکره شده خاص در مواردی که سازمان مدیریت جمعی نرخ‌ها را برای ضبط یا پخش اجراهای اعضای خود مذاکره کرده است.

باتوجه به تعداد زیاد اجراهای موسیقی ضبط‌شده یا پخش‌شده، برای مجری‌های شخصی امکان ردیابی، نظارت و جمع‌آوری پاداش اجراهای خود در کشورهای مختلف جهان تقریباً غیرممکن است. به همین ترتیب یافتن هر مجری برای اطمینان از دستمزدگرفتن برای پخش‌کنندگان و سایر کاربران نیز بسیار دشوار است. بنابراین مدیریت جمعی ضروری است و به‌طور ایده‌آل برای

تلویزیونی و سایر طرق ارائه به عموم مردم است.

بازیابی پاداش ناشی از اجراکنندگان مناسب است.

در بعضی از کشورها، اجراکنندگان به هنرمندان دیگر مانند بازیگران، کم‌دین‌ها و رهبران ارکستر پیوسته‌اند و در یک سازمان مدیریت جمعی مشترک که کلیه حقوق مربوطه آنها را اداره می‌کند، هستند مانند سازمان آدامی^۱ در فرانسه.

یک نمونه مهم سازمان مدیریت جمعی موفق در این زمینه، اسکاپر^۲ است.

اسکاپر، شورای جوامع مدیریت جمعی حقوق اجراکنندگان است و در سال ۱۹۹۶ به‌عنوان یک انجمن غیرانتفاعی طبق قوانین بلژیک با دفتر مرکزی در بروکسل تشکیل شد. اصول و اهداف اسکاپر در ماده ۳ اساسنامه آن ذکر شده است و شامل توسعه همکاری عملی بین سازمان‌های مدیریت جمعی اجراکنندگان، ایجاد چارچوبی برای همکاری عملی و تنظیم استانداردهای مربوط به مدیریت جمعی اجراکنندگان، حمایت از سازمان مدیریت جمعی اجراکنندگان جدید، بهبود کارایی مدیریت حقوق، انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه و همکاری با سازمان‌هایی که نمایندگی سایر گروه‌های دارندگان حقوق را دارند.

اسکاپر یک آیین‌نامه رفتار را به‌عنوان راهنمایی برای همکاری بین‌المللی بین سازمان‌های مدیریت جمعی اجراکنندگان منتشر کرده است. از نظر این سازمان، انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه با سازمان‌های دیگر از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و طبق قوانین رفتاری، مدیران ارشد اجرایی مجبور هستند «ظرف ۳ سال از زمان شروع جمع‌آوری»، مذاکره و امضای توافق‌نامه‌های دوجانبه و مبادله پاداش با سایر اعضای اسکاپر را انجام دهند.»

در کشورهای مجاور، انجمن مویور بیر^۳ در ترکیه، انجمن کپی‌رایت برای اجراکنندگان موسیقی می‌باشد که در سال ۲۰۰۰ توسط ۵۱ موسیقیدان به‌عنوان انجمن مدیریت جمعی حقوق مرتبط تأسیس شد. این انجمن در سال ۲۰۱۰ به‌عنوان عضو شورای انجمن مدیریت جمعی حقوق اجراکنندگان (اسکاپر) پذیرفته شد.

1. Societies pour l'administration des droits des artistes et musiciens interpretes (ADAMI).
2. The societies council for the collective management of performers (SCAPR).
3. Müzik Yorumcuları Meslek Birliği(MÜYORBİR) (Professional Union of Music Interpreters).

۵-۲. سازمان مدیریت جمعی اجرای عمومی

ترانه‌سراها، آهنگسازان و ناشران موسیقی حق انحصاری دارند که اثر خود را به صورت عمومی پخش کنند و یا طبق قانون به دیگران اجازه انجام این کار را بدهند که این حق، به عنوان «حق اجرای عمومی» شناخته می‌شود. منظور از حق اجرای عمومی، حق اجرای موسیقی در ملاعام است که شامل تماشاگران خارج از دایره معمولی دوستان و خانواده مانند کنسرت‌ها، رستوران‌ها و... می‌شود. حق اجرای عمومی انواع پخش از جمله پخش رادیویی، تلویزیونی و ماهواره‌ای یا هر نوع پخش عمومی دیگر را نیز دربرمی‌گیرد.

مجوز اجرای عمومی یک اثر موسیقایی باید از صاحب کپی‌رایت یا یک سازمان حقوق جمعی گرفته شود. در بسیاری از کشورها، زمانی که اجراهای زنده در مقابل حضار صورت می‌گیرد مانند کنسرت، برگزارکننده یا مالک محل برگزاری کنسرت باید حق اجرای عمومی را به اجراکننده بپردازد. این بخشی از قانون کپی‌رایت است و خواستار پرداخت به آهنگساز / ترانه‌سرا و ناشر موسیقی است که معمولاً به صورت ۵۰/۵۰ بین این دو تقسیم می‌شود. به طور مثال در انگلستان هر برگزارکننده متعهد به پرداخت سه درصد از کل درآمدهای صندوق اداره ناشی از فروش بلیط (بعد از کسر مالیات) به سازمان مدیریت جمعی اجرای عمومی انگلستان (پی.آر.اس) (Performing Right Society (PRS)) برای آثار اجراشده عمومی در کنسرت یا رویداد است. برگزارکننده یا مالک محل متعهد است که یک فهرست از آثار اجراشده توسط هنرمند یا هنرمندان را همراه با اطلاعات ناشر (اگر شناخته شده است)، مدت هر اثر و اسامی مؤلفان را روی یک فرم خاص داشته باشد. سپس این فرم و پرداخت مناسب به سازمان مدیریت جمعی ارسال می‌شود و بین ناشران و مؤلفان فهرست شده در فرم، بعد از کسر هزینه مدیریت سازمان مدیریت جمعی، تقسیم می‌شود. هرچه حضار بیشتر باشند، درآمد بیشتر خواهد بود. بنابراین اگر به طور مثال، یک هنرمند یا گروه هنری به قدر کافی خوش‌شانس باشد که در یک صحنه بزرگ یا استادیوم اجرا کند و آنها بسیاری از آثار اجرا شده را نوشته باشند، درآمد ناشی از تنها یک اجرا می‌تواند هزاران دلار باشد.

این سازمان در سال ۱۹۱۴ توسط گروهی از ناشران موسیقی تأسیس شد تا از کپی‌رایت و تأمین درآمد آهنگسازان، ترانه‌سرایان و ناشران موسیقی حمایت کند. در آن زمان، پی.آر.اس هزینه‌های اجرای زنده را از صفحات موسیقی دریافت می‌کرد. منابع اصلی پی.آر.اس برای جمع‌آوری درآمد موسیقی از این منابع حاصل می‌شود: کانال‌های پخش (برای مثال رادیو و تلویزیون)، اجرای

عمومی (مانند موسیقی در برنامه‌ها، کنسرت‌ها، تئاترها، رستوران‌ها و محل کار)، به صورت آنلاین (مانند موسیقی که به صورت آنلاین پخش شود، یا به صورت دیجیتالی بارگیری شود) و منابع بین‌المللی.

بسیاری از سازمان‌های جمعی اجرای عمومی مؤلفان روی پرداخت پنجاه درصد درآمد به‌طور مستقیم به مؤلف و باقی پنجاه درصد به ناشر مؤلف اصرار دارند. اگر مؤلف ناشر نداشته باشد سازمان جمعی تمام درآمد را بعد از کسر هزینه‌های مدیریت خود به مؤلف می‌پردازد. این شیوه پرداخت برای مؤلف بسیار پرسود است چرا که او دریافت درآمد از جامعه جمعی را ادامه خواهد داد حتی اگر با ناشر قطع همکاری کرده باشد، یعنی رویالتی‌های قابل پرداخت به مؤلف بیش از آنچه که مؤلف از ناشر دریافت می‌کرده، توسعه می‌یابد (Stoppa, 2008, pp.49-66).

۵.۳. سازمان مدیریت جمعی برای تولیدکنندگان آثار صوتی (فونوگرام)

155

سازمان‌های مدیریت جمعی برای تولیدکنندگان فونوگرام از سالها پیش وجود داشته است. برخی از آنها به نمایندگی از کلیه دارندگان حقوق مرتبط در صنعت ضبط صدا تشکیل شده‌اند و برخی صرفاً نمایندگی شرکت‌های ضبط چندملیتی و برخی دیگر از تولیدکنندگان مستقل ضبط صدا را برعهده دارند.

یکی از نمونه‌های موفق در این زمینه، فدراسیون بین‌المللی صنعت آوا (ایفپی) (International Federation of the Phonographic Industry (IFPI)) است که صنعت ضبط را در بیشتر کشورهای دنیا نمایندگی و مدیریت می‌کند. ایفپی، سازمانی غیرانتفاعی است که در سوئیس ثبت شده است. دبیرخانه آن در لندن مستقر است و دارای دفاتر منطقه‌ای در بروکسل (برای اروپا)، هنگ کنگ (برای آسیا با دفاتر اضافی در چین و سنگاپور) و میامی (برای امریکای لاتین) است.

ماموریت ایفپی اینطور اعلام شده است:

- ارزش موسیقی ضبط‌شده را ارتقا دهید؛

- از حقوق تولیدکنندگان فونوگرام محافظت کنید؛

- کاربردهای تجاری موسیقی ضبط‌شده را گسترش دهید.

ایفپی، مسئول هماهنگی استراتژی‌های بین‌المللی در زمینه‌هایی مانند اعمال ضدسرقه،

لابی‌گری دولت‌ها و نمایندگی در سازمان‌های بین‌المللی، استراتژی‌های حقوقی، دادرسی و روابط عمومی است.

در ترکیه، سازمان مویاپ (MÜ-YAP (Turkish Phonographic Industry Society)) به مدیریت حقوق تولیدکنندگان فونوگرام می‌پردازد. این سازمان غیرانتفاعی در سال ۲۰۰۰ تأسیس شد که به‌عنوان انجمن مدیریت جمعی تولیدکنندگان از یک‌سو و به‌عنوان نماینده صنعت موسیقی ترکیه از سوی دیگر فعالیت می‌کند. مویاپ از اعضای ایفپی بوده و به این طریق نماینده تولیدکنندگان آثار صوتی ترکیه در سطح بین‌المللی است و در حال حاضر ۱۹۷ عضو دارد.

۵.۴. سازمان مدیریت جمعی تکثیر مکانیکی

سازمان‌های مدیریت جمعی حق تکثیر مکانیکی، مجوز بازتولید و تکثیر انبوه آهنگ‌ها (شامل آثار موسیقی، ادبی و نمایشی) را اعطا می‌کنند. اعضای آنها آهنگسازان، نویسندگان و ناشران و مشتریان آنها شرکت‌های ضبط‌کننده و سایر کاربران موسیقی هستند. آنها همچنین به جنبه‌های مکانیکی بارگیری موسیقی از طریق اینترنت مجوز می‌دهند. هر بار که سی‌دی یا کاست صوتی حاوی آثار موسیقایی دارای کپی‌رایت ساخته می‌شود، تولیدکنندگان به مجوز از صاحب اثر احتیاج دارند و آنها باید برای هر نسخه از تولید و فروش خود حق امتیاز پرداخت کنند.

یکی از نمونه‌های معروف در این زمینه، اتحادیه بین‌المللی حق تکثیر مکانیکی (بی‌م) (Bureau International de l'Édition Mécanique (BIEM)) است. بی‌م یک سازمان بین‌المللی متشکل از جوامع حقوق مکانیکی است. این مرکز در سال ۱۹۲۹ در فرانسه تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در پاریس است. این سازمان توافق‌نامه‌های اعطای مجوز قانونی را در بین کشورهای مختلف هماهنگ می‌کند و خود نیز یک توافق‌نامه همکاری با فدراسیون بین‌المللی صنعت آوا (ایفپی) که نماینده صنعت ضبط در سراسر جهان است، دارد. «بی‌م» همچنین به همکاری بین سازمان مدیریت جمعی‌های عضو خود کمک کرده و در حل مشکلاتی که بین اعضای فردی آن به وجود می‌آید، کمک می‌کند.

در ترکیه، جامعه مسام^۱ در تاریخ ۱۹۸۶ برای مدیریت حق تکثیر مکانیکی و اجرای حقوق

1. Tükye Musiki Eseri Sahpei Meslek Birliği (Musical Work Owners' Society Turkey (MESAM)).

دارندگان آثار موسیقایی، آهنگسازان، تنظیم‌کنندگان و ناشران آثار موسیقی تشکیل شد و از طریق توافق‌نامه‌های نمایندگی متقابل دوجانبه در سراسر جهان از حقوق اعضای خود حمایت می‌کند.

۵.۵. سازمان مدیریت جمعی مشترک میان اجراکنندگان و تولیدکنندگان فونوگرام

هم کنوانسیون رم و هم معاهده اجراها و آثار صوتی وایپو (Wipo Performances and Phonograms Treaty (WPPT)) به اجراکنندگان و تولیدکنندگان فونوگرام حق برخورداری از یک پاداش منصفانه (اجرت منصفانه) (Equitable Remuneration) برای پخش رادیو تلویزیونی و ارتباط با عموم را می‌دهند. در بیشتر سازمان‌های مدیریت جمعی جمع‌آوری پاداش منصفانه، قسمت عمده درآمد قابل جمع‌آوری توسط آن سازمان خواهد بود. در مورد مدیریت شخصی حقوق، تقسیم پاداش منصفانه ممکن است با توافق صورت گیرد یا قانون داخلی چگونگی تقسیم آن را مشخص کند.

157

در عصر مدرن کنونی بهتر این است که فعالیت‌های سازمان مدیریت جمعی اجراکنندگان و تهیه‌کنندگان در یک سازمان ادغام شود. کاربران یکسان هستند و باید حقوق و دستمزد بین آنها تقسیم شود؛ لذا خیلی کارآمدتر است که یک سازمان جمع‌آوری و مدیریت توزیع پاداش به اشخاص مختلف را داشته باشد. این کار همچنین به نفع کاربران است چراکه فقط به یک سازمان پرداخت می‌کنند. حتی در مواردی که دو سازمان مدیریت جمعی جداگانه وجود دارد، آنها می‌توانند به‌طور مشترک درآمد را جمع کنند و به‌طور جداگانه توزیع کنند. این روش برای مثال در سوئد با سازمان مدیریت جمعی به نام سامی (SAMI) و گروه سوئدی «ایفپی» وجود دارد.

۵.۶. سازمان مدیریت جمعی چندمنظوره

به دلایل اقتصادی، در بسیاری از کشورها یک سازمان مدیریت جمعی، حقوق مختلف مربوط به آثار موسیقایی را مدیریت می‌کند. در حال حاضر تعداد زیادی سازمان مدیریت جمعی کپی‌رایت و حقوق مرتبط در دنیا وجود دارد که به‌طور مشترک به اجرای همه حقوق می‌پردازند و مشکلات چندانی ندارند. منظور از همه حقوق، حقوق سه‌گانه اقتصادی (حق اجرای عمومی، حق پخش رادیو تلویزیونی و حق تکثیر) می‌باشد که مدیریت جمعی در مورد آنها بیشتر حایز اهمیت است. ایجاد یک سازمان برای مدیریت همه حقوق منافع متعددی دربر دارد از جمله اینکه یک سازمان

مشترک موجب اجرای مؤثرتر منافع عمومی صاحبان حقوق و حل سریعتر و آسان‌تر مشکلات می‌شود. به‌طور مثال اغلب مصنفان (که جزء مؤلفان نیز محسوب می‌شوند) از موسیقی‌دانان حرفه‌ای هستند، مثلاً در امریکای لاتین و آفریقا، ۰۳٪ مصنفان، موسیقیدان نیز هستند. در چنین شرایطی تشکیل دو سازمان مختلف برای حقوق افراد مشابه، بیشتر زیان دارد.

علاوه بر این ایجاد یک سازمان مشترک به نفع مصرف‌کنندگان آثار خواهد بود. در صورت یکی نبودن سازمان‌های مدیریت جمعی، سازمان‌های پخش، ایستگاه‌های رادیویی، هتل‌ها، سالن‌های نمایش، فروشگاه‌ها و... برای استفاده از هر اثر، دو صورت‌حساب یکی برای کپی‌رایت اثر و دیگری برای حقوق مرتبط دریافت می‌کنند. تأسیس دو سازمان برای مشتریان مشابه می‌تواند موجب بروز برخی مشکلات اجرایی و نادیده‌گرفتن هر نوع اشتراک مساعی احتمالی شود. بحث دیگر در خصوص مستندسازی است. یکی از ستون‌های اصلی یک سازمان جمعی را مستندسازی در خصوص آثار، مشخصات و محتوای آنها در داخل و خارج از کشور تشکیل می‌دهد. وجود دو یا چند سازمان موجب تکراری شدن مستندسازی و به نوعی موازی کاری می‌شود که فایده‌ای نیز دربر ندارد (Ficsor, 2002, p.108).

از جمله نمونه‌های موفق در این زمینه، انجمن با مسئولیت محدود آهنگسازان و مؤلفان سنگاپور (کامپس) (Composers and Authors Society of Singapore Ltd (Compass)) را می‌توان نام برد. این سازمان در سال ۱۹۸۷ و همزمان با تصویب قانون حق چاپ سنگاپور در قالب یک شرکت عمومی تحت قانون شرکت‌ها شکل گرفته و به‌صورت غیرانتفاعی و انحصاری است. کامپس با هدف حمایت از آهنگسازان، غزل‌سرایان و ناشران تشکیل شده است و به‌طور خاص با کپی‌رایت موسیقی و استفاده از آثار موسیقی سروکار دارد. یکی از مأموریت‌های اصلی کامپس اطمینان از دریافت حق امتیاز اعضا هنگام استفاده یا اجرای آثارشان در انظار عمومی، محلی و خارج از کشور است. این سازمان اقدام به ثبت آثار موسیقایی آهنگسازان و غزل‌سرایان کرده، به‌کاربران موسیقی مجوز می‌دهد و با بهره‌مندی و کارایی بیشتری از آنها حق امتیاز دریافت می‌کند. حق امتیاز جمع‌آوری شده براساس میزان استفاده از آثار دارندگان حق توزیع می‌شود. علاوه بر این دپارتمان صدور مجوز را تأسیس کرده است تا اطمینان حاصل کند که اعضا به خاطر بهره‌وری از آثارشان، به‌طور مناسب و به‌صورت حق امتیاز، پاداش بگیرند.

در این سازمان مانند بسیاری از سازمان‌های مدیریت جمعی دیگر قیمت مجوز استفاده از اثر،

بر اساس «نوع استفاده» و «مکان استفاده» از اثر تعیین شده است. در حال حاضر قیمت استفاده از آثار برای سالن‌های ابروییک، سالن‌های زیبایی، سالن بولینگ، سالن بلیارد و مرکز تفریحی، استودیوی موسیقی، نمایش، مدرسه مدل‌سازی و استعداد، فود کورت، بیمارستان و کلینیک، هتل، مرکز بهداشت، ادارات، رستوران و کافه، آهنگ انتظار تلفن و بسیاری موارد دیگر در سایت این سازمان وجود دارد که به‌طور نمونه برای سالن‌های ابروییک به شرح زیر است:

۶. هزینه موسیقی زنده و مکانیکی

- به ازای ۱۵۰ مترمربع ۲۸۰ دلار در سال؛

- هر ۱۰ مترمربع اضافی ۲۸ دلار در سال؛

- حداقل شارژ سالانه، ۲۸۰ دلار در سال است.

۱۵۹ کاربران مجوز موردنیاز خود را از لیست انتخاب کرده و از سازمان تقاضا می‌کنند. سازمان در ازای پرداخت هزینه، مجوز استفاده را صادر می‌کند.

کامپس، با هدف ارتقا و رشد صنعت موسیقی محلی، اقدام به سازماندهی و پشتیبانی رویدادها و پروژه‌های موسیقی کرده، مشاوره‌های تخصصی در زمینه مدیریت کپی‌رایت ارائه می‌دهد و سمینارها، نمایشگاه‌های موسیقی و تورهای تحصیلی را برای اعضای خود جهت کسب دانش برگزار می‌کند.

صدور مجوز در این سازمان به دو صورت است: ۱. مجوز سالانه (Annual Licence)؛

۲. جواز (پروانه) (Permits).

۶-۱. مجوز سالانه

این مجوز به‌صورت سالانه برای سالن‌های کارائوکه، رستوران‌ها، هتل‌ها و... صادر می‌شود و قابل تمدید است. دارنده مجوز می‌تواند در ازای پرداخت هزینه سالانه، از آثار موسیقی تحت مجموعه کامپس از جمله آثار موسیقی، طبق شرایط استفاده کند.

۶-۲. جواز

این نوع مجوزها برای برگزارکنندگان رویدادهای موقت صادر می‌شود. هر رویدادی غیر از یک

اثر نمایشی موسیقی، یک سخنرانی یا سایر کارهای کرال، یا یک باله، اگر شامل اجرای عمومی آثار موسیقایی باشد، به مجوز کمپاس احتیاج دارد. برای نمونه مهمانی‌هایی که به مجوز احتیاج دارند، برگزارکنندگان کنسرت‌ها، نمایشگاه‌ها، رویدادهای تبلیغاتی، کارناوال و نمایشگاه‌های سرگرم‌کننده. به‌طور مثال هزینه استفاده از اثر موسیقی (جواز استفاده) در مراسم عروسی، ۵۰۰ دلار در روز است و باید حداقل ۳ روز کاری قبل از تاریخ عروسی، با تمام مشخصات و اطلاعات دقیق و صحیح اعلام شود.

نتیجه

عصر کنونی، دوران مهمی در تاریخ تجارت موسیقی جهان محسوب می‌شود و بهترین فرصت‌ها در اختیار هنرمندان موسیقی است. اینترنت شرایط را به کلی تغییر داده است و درحال حاضر صرفاً با اتصال به اینترنت می‌توان به بازار موسیقی جهان دسترسی پیدا کرد. این موضوع از سوی دیگر موجب افزایش سرقت و سوءاستفاده از آثار صاحبان حقوق شده است به‌گونه‌ای که پیگیری سرقت ادبی یک مشکل اساسی برای بخش‌های مختلف فرهنگی و هنری نظیر مطبوعات و ادبیات، فیلم‌های سینمایی و ویدئویی و بخش‌های موسیقی شده است.

موسیقی و آواز در ایران دارای ریشه‌ای کهن بوده و روزبه‌روز بر تعداد هنرمندان فعال در این عرصه افزوده می‌شود لذا وقت آن رسیده که کشور ما با وجود پیشینه غنی در این زمینه و تولید آثاری که دارای استانداردهای بالا بوده و در سطح بین‌المللی قابل قبول هستند، به‌صورت جدی‌تری به این صنعت باارزش نگاه کند.

درحال حاضر بیشتر آثار موسیقایی بدون مجوز به‌دست آمده و استفاده می‌شود و مهمترین دلیل آن، فقدان وجود سیستم اجرایی مؤثر و کارآمد جهت تسهیل صدور مجوز و ارتباط و تعامل مناسب بین صاحبان آثار و مصرف‌کنندگان است. تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است در صورتی که ساختارهای معقول مجوزدهی ایجاد شود، بیشتر مصرف‌کنندگان تمایل به استفاده قانونی از آثار دارند.

یکی از اقدامات مهم برای حل این مشکل، ایجاد ساختار مدیریت جمعی حقوق کپی‌رایت در کشور است. سازمان‌های مدیریت جمعی واسطه مناسبی بین صاحبان آثار و مصرف‌کنندگان شناخته شده‌اند و در بیشتر کشورهای جهان نقش بسیار حیاتی و مؤثری در حمایت از هر دو طرف

رابطه و اجرای حقوق دارند. الگوهای مختلفی از مدیریت جمعی حقوق آثار موسیقایی در دنیا وجود دارد که در این مقاله سعی شد نمونه‌های معروف و موفق و تا حدودی شیوه کار هرکدام بیان شود که ضمن صیانت و حمایت از پدیدآورندگان آثار موسیقایی زمینه‌ای در جهت تجاری‌سازی این آثار گردد.

منابع

۱. پورمحمدی، شیما؛ «انواع سازمان‌های مدیریت جمعی»، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق پزشکی؛ ش ۳، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۱-۲۷.
۲. پورمحمدی، شیما؛ «حق مؤلف و حقوق مرتبط در سازمان‌های مدیریت جمعی»، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق پزشکی؛ ش ۲۳، زمستان ۱۳۹۱، ص ۴۵-۷۶.
۳. پورمحمدی، شیما؛ الگوها و نحوه فعالیت سازمان‌های مدیریت جمعی کی‌رایت و حقوق مرتبط (طرح مطالعاتی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران)؛ تهران: [بی‌نا]، ۱۳۹۹.
۴. محمدی، پژمان؛ قراردادهای حقوقی مؤلف؛ تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۶.
۵. محمدی، رافونه؛ نظام حقوقی حاکم بر مدیریت جمعی مالکیت فکری؛ محل نشر: نشر جاودانه جنگل، ۱۳۹۲.
6. *Cisac Global Collection report 2019*, available at: <http://www.cisac.org>.
7. Ficsor, M; *Collective Management of Copyright and Related Rights*, Geneva: WIPO Publication, 2002.
8. Gervais, Daniel j; *Electronic Rights Management and Digital Identifier systems*, available at: <http://www.wipo.int>, 1998.
9. Gunner, p; *the composers right*, , Atlantis, Stockholm, Schenck linda, Bokporlaget, 2002.
10. *IFPI annual global music report 2020*, available at: <https://www.ifpi.org/resources/>
11. Koskinen , Tarja; Lowe, Nicholas; *Educational material on Management of copyright and related rights, module1: General aspects of collective management*, Geneva, Wipo publication, 2012.
12. Koskinen , Tarja; Lowe, Nicholas; *Management of copyright and related rights in the field of music(module 2)* , Geneva, Wipo publication, 2012.

13. Stopps, D; *How to Make a Living fom Music*, Geneva, WIPO Publication, 2008.
14. *Study on the Contribution of Copyright industries in Turkey*, 2014
15. Uchenhagen, U; *Copyright Collecive Management in Music*, Geneva, WIPO Publication, 2011.
16. Wipo Studies on the economic contribution of the copyright industries, 2014, available at: [http:// www.wipo.int](http://www.wipo.int).